

تغقیب بود به دست ماموران ساواک ترور می‌شود و در پی او مرد صاحبخانه هم که برای خونخواهی قدم به کوچه می‌گذارد، با شلیک ماموران از پا در می‌آید و کنار جوان روی زمین می‌افتد.

دهه ۶۰ ۱۲ فیلم

■ **برنج خونین (۱۳۶۰):** این فیلم به کارگردانی مشترک امیر قویدل واسی (اسدا...) نیک‌نژاد، قصه‌هوشیاری مهندسی به نام حمید را روایت می‌کند که متوجه توطئه کارگزاران حکومت پهلوی و آمریکایی‌ها برای نابود کردن مزارع برنج و درنهایت افزایش واردات برنج می‌شود. همین رو کردن دست دولتی‌ها و آمریکایی‌ها، باعث می‌شود عوامل حکومت حمید را شبانه ترور کنند اما این پایان کار نیست و دوستش مهندس نادری که حمید او را در جریان این توطئه قرار داده بود، مبارزه و افشاگری را ادامه می‌دهد.

■ **دست شیطان (۱۳۶۰):** از این فیلم به کارگردانی حسین زندباف که ماهیتی ضدآمریکایی دارد به عنوان نخستین فیلم جاسوسی سینمای ایران نام می‌برند. فیلم به پس از ماجرای طیس و شکست آمریکا در نجات گروگان‌هایش می‌پردازد و داستان جاسوسی را روایت می‌کند که به عنوان عکاس وارد ایران می‌شود و سعی دارد از محل نگهداری گروگان‌ها کسب اطلاع کند. یکی از ماموران امنیتی خود را به عنوان راننده جاسوس جامی‌زند او را از فرودگاه سوار ماشین می‌کند اما جاسوس که بی به هویت مامور برده، به راننده شلیک می‌کند او را از ماشین بیرون می‌اندازد. گرچه با توجه به گفته رهبر تیم امنیتی اطلاعاتی بابازی محمد علی کشاورز، «حسین» (راننده) با همان مامور فقط زخمی شده اما عمل ترورستی جاسوس به قوت خود باقی است. ضمن این‌که تصاویر بعدی و تیتراژ فیلم هم که دستی‌با دستکش چرمی و در حال شلیک رانشان می‌دهد هم تأکید بر ترورست بودن شبکه نفوذ و ضدانقلاب است و به شکلی کنایی دست شیطان بزرگ (تعبیر اسام) (ره) دربارۀ آمریکا) را نمایان می‌کند.

■ **توهم (۱۳۶۴):** گرچه در این فیلم ساخته سعید حاجی‌میری به‌طور مشخص ترور و حذف و کشتار سیاسی را نمی‌بینیم اما از آنجا که به سازمان مجاهدین خلق به عنوان گروهکی ترورست می‌پردازد، می‌توان آن را در زیرمجموعه سینمای ترور به حساب آورد. با این‌که توهمات دو ترورست عضو سازمان مجاهدین، در نهایت به شکل عملی منجر به یک قتل می‌شود، اما شدت توهم باعث می‌شود یکی از آن دو به اشتباه و به‌تصور این‌که مامور امنیتی و اطلاعاتی وارد خانه تیمی‌شان شده، رابط سازمانی خود (ادرواق یک ترورست دیگر) را با شلیک گلوله از پا در آورد.

عنوان فیلم نشانی سراسرت از قصه فیلم و شرح حال و وضعیت همه اعضای سازمان مجاهدین خلق و گروهک منافقین در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است و تا امروز نمایندگی و توهم حقایقت آنها را عیان و عریان می‌کند. ■ **گزارش یک قتل (۱۳۶۵):** به کارگردانی محمد علی نجفی گرچه از عنوان قتل در نام فیلم استفاده کرده، اما می‌توان عمل ارتكابی در فیلم را نوعی ترور خواند؛ چون حذفی که در قصه اتفاق می‌افتد (کشته شدن کیمرام به دست کلای) انگیزه‌های مشخص سیاسی دارد و داستان سروان کلای، عضو قدیمی حزب توده ایران (اکبر زنجانیور) را روایت می‌کند که پس از آزادی از زندان تصمیم می‌گیرد کیمرام، رهبر سابق سازمان نظامی حزب (قطب‌الدین صادقی) را که خیانت کرده و اکنون رئیس کانون حزب رستاخیز کارخانه ذوب‌آهن اصفهان است به قتل برساند.

مجتبی امینی، دبیر جشنواره فیلم فجر در جدیدترین اظهارنش درباره برخی انتقادات نسبت به جشنواره، پاسخ داد. وی که در برنامه «نقد سینما» صحبت می‌کرد، با اشاره به انتقادهایی درباره ترکیب هیات انتخاب گفت: ما باید این فرهنگ را در خانواده محترم سینما بی‌پذیریم و با آن کنار بیاییم که هر جشنواره‌ای یک‌سری اثر می‌پذیرد و قرار نیست همه فیلم‌ها انتخاب شوند. من هم در دوره‌های مختلف

■ **دست‌نوشته‌ها (۱۳۶۵):** زنده‌یاد مهرداد مینویی که تدوینگر موفق بود و برای تدوین فیلم‌های دست‌نوشته‌ها، پوتین، وصل نیکان و سجاده آتش جوایزی از جشنواره فیلم فجر و جشنواره دفاع‌مقدس دریافت کرده بود، در تنها کارگردانی‌اش سراغ روایت تشکیلات ترورستی و حذف مهره‌های سوخته در چنین سازمان‌هایی می‌رود. هرچند در فیلم اسمی از تشکیلات برده نمی‌شود اما با توجه به ماهیت ترورستی آنها می‌توان به نشانی گروهک ترورستی منافقین رسید که حتی به نیروهای خودی هم رحم نمی‌کنند. بازیگر نقش اصلی فیلم، جلیل فرجاد است که تقریباً فیلم‌های با موضوع انقلاب و دفاع‌مقدس را در دهه ۶۰ بازی می‌کرد. نویسنده فیلمنامه بهروز افخمی است.

■ **شکار (۱۳۶۶):** شاید به معنای دقیق، کشتن جوان مبارز و انقلابی این فیلم ساخته مجید جوانمرد، مصداق ترور نباشد اما از سوی دیگر اگر ترور را به معنای حذف جنایتکارانه و سیاسی درنظر بگیریم، شلیک گلوله به مصطفی (خسرو شکیبایی) به دست مامور ساواک (اعلیت بخشی) به نوعی حکم ترور دارد. جرم مصطفی، انهدام مجسمه شاه یک روز قبل از برده‌برداری در میدان یکی از شهرستان‌هاست، به همین دلیل ماموران امنیتی اطلاعاتی پهلوی از همان زمان دنبال حذف و ترور این جوان انقلابی بودند. صحنه ترور و کشتن مصطفی در بیانان و مرگ و شهادت او در چیدمان استعاری کارگردان همراه با موسیقی جادویی بابک بیات، حکم یک رهایی را دارد و در عین حال باعث آگاهی و استحالۀ احمد (پرویز رستویی) هم می‌شود.

■ **کانی مانگا (۱۳۶۶):** این ساخته جذاب و محبوب و پرفروش سیفا... داد علی‌الظاهر هیچ سهمی از سینمای ترور ندارد و واقعا هم با فیلمی جنگی و مهیج طرفیم که قصه گروهی از تکاوران ایرانی زیرنظر سروان یآوری (فرامرز قریبیان) را به تصویر می‌کشد که مامور می‌شوند خلیان سقوط‌کرده عراقی در منطقه کانی مانگا در کردستان ایران را به اسارت درآورند. چالش و گرۀ ماجرا هم برای نیروهای ایرانی آنجاست که کاک هوشنگ (علی ثابت) سرکرده یکی از گروه‌های مسلح مخالف جمهوری اسلامی و دارودسته‌اش قصد نجات خلیان و بازگرداندن او به خاک عراق را دارند اما نقطه اتصال فیلم با بحث تروریسم، به سابقه آشنایی یآوری و کاک هوشنگ برمی‌گردد که در لحظات آخر فیلم ماجرا برای سروان ایرانی و مخاطب عیان می‌شود. آنجا که کاک هوشنگ با تفکر و دیدگاه ترورستی و ضدانقلابی اعتراف می‌کند که برادر یآوری را به دلیل خودداری از همکاری با گروهش، ترور کرده و کشته است.

فیلم داشتنم و مواقعی هم اترم به جشنواره رها داده نشد. جشنواره فجر اعتبار جهانی دارد و ما خوشبختانه هیات انتخاب داریم درحالی‌که برخی از جشنواره‌های الف دنیا هیات انتخاب ندارند. کسانی به‌عنوان اعضای هیات انتخاب بودند که سینما برای‌شان مهم است. به‌نظر من فیلمسازان نیز باید به آیین‌نامه احترام بگذارند. در بین اعضای هیات‌اداران یا بانوان حتماً بهره می‌بریم اما در هیات انتخاب به واسطه سخت بودن

کار نتوانستیم در خدمت آنان باشیم. وی درباره انتقادهای وارده به حضور فیلم‌های ارگانی در این دوره از جشنواره گفت: یک‌سوم جشنواره متعلق به بخش خصوصی است. یک بخشی از آن دوسوم باقیمانده هم مربوط به مشارکت ارگان‌ها با بخش خصوصی است. از سوی دیگر وقتی تولیدات بخش خصوصی کم شده و بخش دولتی عزم خود را جزم کرده است تا به رونق سینما کمک کند، آیا این کار غلط است؟/ جام جم

گزارش «جام‌جم» درباره فیلم‌های رد خون ترور رو جامعه ایرانی نیازمند ایجاد نهضت

سروشکل و رفتار اعضای آن در رسیدن هواپیما، سوءاستفاده برای همراهی با مردم و مسافران و وارونه جلوه دادن حقیقت و این‌که آنها علاقه به پنهاندگی سیاسی واجتماعی دارند، نشانی‌هایی از وابستگی آنها به منافقین است. ضمن این‌که در طراحی لباس برخی شخصیت‌ها و نقش‌هایی که محسن زهتاب و تانیا جوهری بازی می‌کنند هم شکل و شمایل این گروهک نمود دارد. به‌جز این در فیلمنامه و دیالوگ‌ها هم همان واژگان شعاری و فریبنده آشنا را می‌شنویم؛ «هدف ما آزادی و ترقی‌کشوره. همیشه آزادی رو باید با فریاد به دست آورد اما امروز در کشور ما فقط اسلحه می‌تونه این کار رو انجام بده. ما اولین شلیک به مقاومت قهرآمیز هستیم.» به‌جز این، یکی دیگر از اعضای گروهک، رو به دوربین خبرنگاران می‌گوید: «نه! به هیچ‌وجه، مبارزه ما ترورستی نیست.» این وارونه‌گویی و وانمودکردن‌ها در پرواز پنجم مؤثرن، معادل سینمایی همان دروغ‌های آشکار منافقین است، «مبارزه ما ترورستی نیست» کجا و کشتار مردم بی‌گناه وطن طی سال‌ها کجا؟

■ **تغقیب سایه‌ها (۱۳۶۹):** این فیلم به کارگردانی علی شاه‌حاتمی به‌عنوان یکی از محصولات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دست روی یکی از اعمال جنایتکارانه و ترورستی منافقین در دهه ۶۰ می‌گذارد، یعنی بمب‌گذاری‌های متعدد در سطح شهر برای ایجاد ناآمنی و رعب و وحشت در مردم و ضربه زدن به انقلاب، گرچه در تغقیب سایه‌ها هم اسم گروهک منافقین مطرح نمی‌شود اما این رفتار ضدانسانی و ترورستی‌یی‌ی‌ک از بر‌نامه‌های



گزارش «جام‌جم» درباره فیلم‌های

رد خون ترور رو

جامعه ایرانی نیازمند ایجاد نهضت

همیشگی این گروهک برای خرابکاری و ایجاد ترس و وحشت میان مردم انقلابی بود. علی‌شاه‌حاتمی به‌خوبی از التهاب موضوع به نفع تعلیق و هیجان سینمایی و روایت قصه بهره می‌برد و مخاطب از ابتدا تا پایان با این داستان نفسگیر و وظیفه دشوار ماموران خنثی‌سازی بمب برای مقابله با ترورست‌ها و منافقین همراه می‌شود. این ویژگی التهاب و هیجان حتی از همان تیتراژ اول هم مشهود است و آن تصاویر نگاتیوی و فیلم‌های ظاهر نشده که جدال و کشمکش همیشگی نیروهای خیر و شر قصه را نشان می‌دهد، چشم‌انداز خوبی را بیش روی تماشاگر می‌گذارد. در این میان، موسیقی پرشور فریبرز لاچینی هم اکشن ماجرا را تقویت می‌کند. نکته قابل‌اشاره دیگر این‌که ضرباهنگ خوب این فیلم هم حاصل تدوین خوب مهرداد مینویی است.

■ **تویی که نمی‌شناختم (۱۳۶۹):** ابراهیم سلطانی‌فر این فیلم را براساس سه داستان با همین نام‌ها از سیدمهدی شجاعی برگرفته از کتاب دو کیوتر، دو پنجره، یک پرواز و ضریح چشم‌های تو ساخت. با این‌که تویی که نمی‌شناختم، در فضای جبهه و جنگ روایت می‌شود و اثری دفاع مقدسی است، منتهی در اپیزود دوم آن با نام «آبی‌اما به رنگ غروب» شاهد یک اقدام ترورستی هستیم و دو ناشناس، رزمندۀ‌های مجروح و بازگشته از جبهه را در نزدیکی خانه‌اش و جلوی چشمان دختر خردسالش ترور می‌کنند و به شهادت می‌رسانند. نقش این رزمنده و فرمانده را زنده‌یاد نادر طالب‌بازده و نقش دختر را هم مهسا کرامتی بازی می‌کرد.

دهه ۷۰ ۹ فیلم

■ **پناهنده (۱۳۷۲):** در این چند سال اخیر و هراگاهی عکسی از اعضای گروهک ترورستی منافقین در مفرشان در خارج از کشور منتشر می‌شود. به‌جز لباس متحدالشکل، سرفصل مشترک همه این تصاویر، حال نزار چهره، افسردگی و



برش

مثلت ترور

سینمای ایران در سال ۱۴۰۰، سه فیلم با محوریت ترور و تروریسم و نفوذ ساخت که نوید استمرار روایت‌های سینمایی دیگر در این خصوص را می‌داد؛ ولی در ادامه و در این یکی دو سال اخیر، فیلمی در این زمینه تولید نشد به‌نمایش درنیامد و تنها نمایش فیلم‌هایی چون «سرهنگ ثریا» و «ضد» در امسال و این نوبت ارکان، تداعی رونق چنین فیلم‌هایی را ایجاد کرد. دو فیلمی که همراه «هناس» همگی محصول سال ۱۴۰۰ هستند. با این حال امیدواریم با توجه به استمرار جریان نفوذ و تروریسم، فیلمسازان پرداخت‌های ظریف، هنرمندانه و هشداردهنده در سینمای استراتژیک را جدی بگیرند.

■ **هناس (۱۴۰۰):** اگر حتی یک دانشمند هسته‌ای در آمریکا ترور می‌شد، هالیوود و فیلمسازان سینما و تلویزیون لحظه‌ای درباره انعکاس رسانه‌ای آن و ساخت فیلم و سریال‌هایی مرتبط با آن شخصیت درنگ نمی‌کردند اما سینمای ایران در این سال‌ها حتی به اندازه یکایک شهدای هسته‌ای فیلم نساخته و نتوانسته‌است عظمت و ابعاد این حذف‌های ناجوانمردانه از سوی دشمنان را روایت کند. فیلم هناس به کارگردانی حسین دارابی با روایت زندگی

شهید داریوش رضایی‌نژاد دانشمند هسته‌ای (پهروز شعبی) و همسرش شهره پیرانی (امریلا زارعی)، از معدود آثار در این زمینه است.

■ **سرهنگ ثریا (۱۴۰۰):** این فیلم به کارگردانی لیلی عاج که تا مدتی قبل بر پرده سینماها بود، از زاویه جدیدی سراغ گروهک ترورستی منافقین می‌رود. این اثر که براساس نمایشنامه «بابا آدم» کار خود لیلی عاج تبدیل به اثری سینمایی شده، روی بحث تلاش خانواده‌های منافقین برای دیدار با فرزندان یا دیگر اعضای فریب‌خورده‌شان متمرکز می‌شود. سرهنگ ثریا که با نگاهی به واقعیت و براساس شخصیت ثریا عبدللهی روایت شده، به‌جز ترندهای جذب فرقه و شست‌وشوی مغزی اعضا برای بی‌مهری و بی‌اعتنایی به خانواده‌ها و عزیزان‌شان، ماهیت ترورستی منافقین را هم با ربودن و قتل برخی پدران و مادران منتظر در اطراف پادگان اشرف نشان می‌دهد.

■ **ضد (۱۴۰۰):** حادثه ترورستی هفتم تیر ۱۳۶۰ به قدری ابعاد و پیچیدگی‌های مختلفی دارد که می‌توان از روایای مختلف به آن ورود کرد و روایت‌های متعدد و دراماتیک فراوانی براساس آن داشت. به‌جز خود شهید آیت... بهشتی، رئیس وقت دیوان عالی

سال‌های ۱۴۰۰ ۳ فیلم

تصویری از مکانیسم ترور فیلم هناس،